

Identifying the Factors Affecting the Preservation and Consolidation of the Islamic-Iranian Family

*Maryam Razazi**

E-mail: razazi.cm@gmail.com

*Mohsen Ghadami***

E-mail: m.ghadami@srbiau.ac.ir

*Fatemeh Azizabadi Farahani****

E-mail: f-azizabadi@srbiau.ac.ir

*Ebrahim Hajiani*****

E-mail: ebhajiani@gmail.com

Received: 2023/12/04

Revised: 2024/05/28

Accepted: 2024/05/29

Doi: 10.22034/RJNSQ.2024.428629.1538

Abstract:

The purpose of this study is to "identify the factors affecting the preservation and consolidation of the family institution" and to answer the question, what factors are basically effective in the preservation and consolidation of the Islamic-Iranian family? It has been done by using the exploratory research method of "foundation data" based on the "semi-structured interview" tool. Two strategies were used to select the sample in this research; In this way, first by using the purposeful sampling method, those experts who, according to the researcher, are experts in the field of research, were identified and interviewed and asked for opinions; Then, using the snowball sampling method, these people were asked to introduce other people who are familiar with the research topic; In the same way, other sample units were identified and selected. In total, there were 20 people in the sample size of the research, which had theoretical saturation and theoretical adequacy. The findings of this study have shown the effectiveness of "causal", "contextual" and "intervening" factors in this regard, which include factors with cultural, psychological and behavioral dimensions, as well as factors within and outside the family environment of a social and economic nature; So that "cultural", "behavioral" and "psychological" factors (including: change in the attitude towards family and marriage, change in the norms of family formation, moral virtues of couples, nature and quality of communication between couples) among the causal factors; Internal factors such as "man and woman's duties in the family" and "common points between couples" (including: common duties of husband and wife towards each other, man's duties towards his wife, woman's duties towards his wife, matching of couples, etc.) among contextual factors and finally factors of an extra-institutional nature such as "diversity and conflict of socialization factors" and "economic factors" (including: deep cultural changes, mediaization of society and the economic status of the family) among the intervening factors effective in maintaining and Consolidation of the Islamic-Iranian family has been identified and it is necessary to include them in the cultural policies related to the institution of the family.

Keywords: Family, Preservation and Consolidation of Family, Cultural Values, Mental Health.

* Ph.D. Student in Cultural Management (Cultural Policy), Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

** Associate Professor of Public Administration, Member of the Faculty of Management and Economics, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

*** Associate Professor of Cultural Management, Member of the Faculty of Management and Economics, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

**** Associate Professor of Society and Faculty Member of Shahed University, Tehran, Iran.

شناسایی عوامل مؤثر بر حفظ و تحکیم خانواده اسلامی - ایرانی

نوع مقاله: پژوهشی

* مریم رزازی

E-mail: razazi.cm@gmail.com

** محسن قدمی

E-mail: m.ghadami@srbiau.ac.ir

*** فاطمه عزیزآبادی فراهانی

E-mail: f-azizabadi@srbiau.ac.ir

**** ابراهیم حاجیانی

E-mail: ebhajjani@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۱۳ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۳/۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۳/۹

چکیده

مطالعه حاضر با هدف «شناسایی عوامل مؤثر بر حفظ و تحکیم نهاد خانواده» و پاسخ به این سؤال که اساساً چه عواملی در حفظ و تحکیم خانواده اسلامی - ایرانی مؤثر است و با کاربست روش پژوهش اکتشافی «داده‌بنیاد» مبتنی بر ابزار «مصاحبه نیمه‌ساختاریافته» به انجام رسیده است. برای انتخاب نمونه در تحقیق حاضر، ابتدا با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، کارشناسانی که به نظر محقق در زمینه پژوهش متخصص هستند، شناسایی شدند و مورد مصاحبه و نظرخواهی قرار گرفتند؛ سپس با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی، از آن‌ها خواسته شد تا افراد دیگر را که با موضوع تحقیق آشنایی دارند معرفی نمایند؛ به همین ترتیب، واحدهای دیگر نمونه شناسایی و انتخاب شدند. در مجموع، حجم نمونه پژوهش که اشیاء نظری و نیز کفایت نظری را در پی داشته‌اند بیست نفر بودند. یافته‌های این مطالعه مبین اثرگذاری عواملی «علی»، «زمینه‌ای» و «مداخله‌گر» در این خصوص بوده است که دربرگیرنده عواملی با ابعاد فرهنگی، روان‌شناختی و رفتاری و نیز عوامل درون و برون خانوادگی محیطی با ماهیت اجتماعی و اقتصادی هستند؛ به‌طوری‌که عوامل «فرهنگی»، «رفتاری» و «روان‌شناختی» (مشمول بر دگرگونی در نگرش به خانواده و امر ازدواج، دگرگونی در هنجارهای تشکیل خانواده، فضایل اخلاقی زوجین، ماهیت و کیفیت ارتباط میان زوجین) در زمره عوامل علی؛ عوامل درون‌نهادی همچون «وظایف زن و مرد در نهاد خانواده» و «نقاط اشتراک میان زوجین» (مشمول بر وظایف مشترک زن و شوهر نسبت به یکدیگر، وظایف مرد در قبال همسر، وظایف زن در قبال همسر، همسان‌گزینی زوجین و غیره) در زمره عوامل زمینه‌ای و در آخر، عواملی با ماهیت برون‌نهادی همچون «تنوع و تضاد عوامل جامعه‌پذیری» و «عوامل اقتصادی» (مشمول بر تحولات فرهنگی، رسانه‌ای شدن جامعه و وضعیت اقتصادی خانواده) در زمره عوامل مداخله‌گر مؤثر بر حفظ و تحکیم خانواده اسلامی - ایرانی مورد شناسایی قرار گرفتند که لازم است در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی مرتبط به نهاد خانواده لحاظ گردند.

کلیدواژه‌ها: خانواده، حفظ و تحکیم خانواده، ارزش‌های فرهنگی، سلامت روان.

* دانشجوی دکتری رشته مدیریت فرهنگی (سیاست‌گذاری فرهنگی)، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

** دانشیار مدیریت دولتی، عضو هیئت‌علمی دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

*** دانشیار مدیریت فرهنگی، عضو هیئت‌علمی دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

**** دانشیار جامعه‌شناسی و عضو هیئت‌علمی دانشگاه شاهد، تهران، ایران.



مقدمه و بیان مسئله

نهاد خانواده به عنوان کوچک‌ترین نهاد اجتماعی، اصلی‌ترین هسته تشکیل دهنده هر جامعه و منشأ فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و تاریخ بشر شناخته می‌شود؛ چراکه نهاد خانواده جایگاه شکل‌گیری نخستین روابط و الگوهای زندگی آینده، کانون انتقال ارزش‌های اخلاقی، باورهای دینی و معیارهای اجتماعی از نسلی به نسل دیگر، زمینه‌ساز رشد عاطفی و تربیت اخلاقی و اجتماعی اعضای خانواده است (سمیعی زفرقندی و زارع بیدکی، ۱۳۹۹: ۶۲). در اهمیت نهاد خانواده همین بس که انسجام و قوام روابط درون جوامع تا حد زیادی به سلامت روابط اعضای خانواده و به تبع آن، تأمین نیازهای روحی - روانی زوجین در قالب نهاد خانواده وابسته بوده است (آقاجانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۹).

با این حال، ما در زمانه‌ی تغییرات سریع اجتماعی زندگی می‌کنیم که تغییرات بسیاری را در نگرش و انتظارات افراد از کانون خانواده رقم زده است که منجر به شکل‌گیری تناقضاتی در اذهان آنان گردیده و نتیجه آن شکل‌گیری مسائلی است که خود را در قالب مقاومت‌های صورت گرفته از ناحیه افراد در برابر نظام ارزش‌های سنتی جامعه نمایان ساخته و هزینه‌های متعددی از جمله کاهش اهمیت نظام‌های ارزشی و هویتی را در پی داشته است. در همین ارتباط، معنای خانواده، کارویژه‌های آن و آنچه در گذشته به عنوان مدل هنجارمند از آن تلقی می‌شد، به چالش کشیده شده است (ملکی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۶۴) و نتیجه آن وضعیت کنونی نهاد خانواده در جامعه ایرانی است که روزه‌روز بیشتر به سوی تزلزل گام برمی‌دارد. حال اگر اهمیت، ضرورت و کارویژه‌های منحصربه‌فرد نهاد خانواده به خوبی درک و با رویکردی صحیح، روابط میان زوجین مدیریت شود، تعالی نهاد خانواده و زمینه شکوفایی و تکامل آن جامعه پدید می‌آید. این درحالی است که اسلام به عنوان یک مکتب انسان‌ساز، بیشترین عنایت را به تکریم و تعالی نهاد خانواده داشته و این نهاد مقدس را کانون تربیت و مهد مودت و رحمت می‌شمرد و سعادت و شقاوت جامعه انسانی را منوط به صلاح و فساد این بنا عنوان نموده و هدف از تشکیل نهاد خانواده را تأمین نیازهای مادی، عاطفی و معنوی انسان از جمله دستیابی به سکون و آرامش برمی‌شمرد (حسن‌زاده، ۱۳۹۳: ۴۵). اهداف خانواده و اقتضای تأسیس آن ایجاب می‌کند که بانیان آن یعنی زن و شوهر، در تحکیم و پایداری این بنا، نهایت سعی خود را بنمایند و با همان انگیزه که به تشکیل آن اقدام کردند، بر دوام آن اصرار ورزند تا وحدت و پویایی این نهاد مقدس تا پایان حفظ شود (میرخانی و صفایی، ۱۳۹۳: ۱۲۷).

تأکیدات اخلاقی و سفارشات حقوقی کتاب مقدس قرآن و روایات گران‌قدر ائمه طاهریین (ع)

نیز بر تشکیل، تحکیم و تعالی خانواده، بیش از جوانب دیگر حیات بشری است؛ به طوری که در یک نگاه کلی، تمامی احکام و دستورات اسلام به نوعی، ناظر بر صیانت از خانواده است، بخشی از آن بر تزکیه و تطهیر فرد و بخشی پیرامون اصلاح جامعه و حفظ سلامت آن وضع شده است؛ اما در عصر حاضر، این کانون مهم، گرفتار آسیب‌هایی است که از جمله آن‌ها اختلافات خانوادگی، طلاق و گسسته شدن پیوندهاست؛ در این میان، یکی از مخاطرات و آسیب‌های جدی زندگی مدرن، بی‌توجهی به سلامت و تحکیم خانواده است.

بدون تردید این آسیب‌ها برآمده از ریشه‌ها و علل متعددی است. صاحب‌نظران عوامل متعدد و در ابعاد مختلف که عمده‌ترین آن‌ها دگرگونی در ارزش‌های اخلاقی، تغییر نگاه به زندگی و ازدواج، مشکلات اقتصادی، اعتیاد یکی از زوجین، دخالت‌های نابجای خانواده‌ها و عدم حمایت آن‌ها، ناهمگونی فرهنگی - اجتماعی همسران، بداخلاقی زوجین و غیره است را به‌مثابه علل اثرگذار در بروز گسست نهاد خانواده و فروپاشی آن عنوان نموده و اذعان داشته‌اند، آنچه امروزه ارمغان توسعه، پیشرفت و گسترش روزافزون ارتباطات و ابزارهای تکنولوژی نوین است، فراموشی سنت‌ها، فرهنگ، آداب و رسوم و آیینی است که در گذشته‌ای نه‌چندان دور، خانواده را حفظ کرده و پایه‌های این نهاد مهم اجتماعی را مستحکم نموده است.

پژوهش حاضر در پاسخ به این سؤال که چه عواملی در حفظ و تحکیم خانواده اسلامی ایران مؤثر است، درصدد است ابعاد مختلف و عوامل متعدد اثرگذار بر این پدیده را مورد شناسایی و واکاوی قرار دهد. اهمیت پرداختن به موضوع «حفظ و تحکیم خانواده» ریشه در اهمیت نهاد خانواده دارد؛ نهاد مقدس خانواده، محمل فرهنگ‌های گوناگون است؛ تا آنجا که سعادت و شقاوت امت‌ها، مرهون رشادت و ضلالت خانواده است. اولین شرط داشتن جامعه‌ای سالم و پویا، سلامت و پایداری خانواده است؛ به‌علاوه اینکه خانواده بنیادی‌ترین نهاد در جامعه انسانی است که وظیفه تربیت و سازندگی افراد و انسان‌ها را بر عهده دارد و اگر افراد نتوانند خانواده را تحکیم بخشند، بی‌شک نخواهند توانست جامعه‌ای ایدئال برای نسل آینده بسازند.

پیشینه پژوهش

۱- پیشینه تجربی

با مروری بر پیشینه تجربی مرتبط با موضوع پژوهش و مطالعات انجام‌شده در داخل و خارج از کشور، این برداشت حاصل می‌گردد که اساساً صاحب‌نظران و پژوهشگران بر تأثیر



عواملی چند در حوزه‌های فردی، خانوادگی، فرهنگی و غیره در حفظ و تحکیم خانواده اذعان داشته‌اند که از آن جمله می‌توان به پژوهش مشترک عبدالمحمدی و همایون فرد (۱۴۰۲) با عنوان «تحلیلی از رابطه ارزش‌های اخلاقی و تحکیم خانواده از منظر قرآن و سنت» اشاره داشت. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که رعایت ارزش‌های اخلاقی از مهم‌ترین عوامل تحکیم خانواده است. هرچه ارزش‌های اخلاقی بیشتر در خانواده رعایت شود، پایه‌های آن مستحکم‌تر خواهد شد. در این تحقیق، ارزش‌های تأثیرگذار در تحکیم خانواده به دو بخش «ارزش‌های کلامی» و «غیرکلامی» تقسیم شده است؛ فضایی مانند راست‌گویی، پرهیز از دروغ، سپاسگزاری و قدردانی، عذرخواهی و عذرپذیری، نیکو سخن گفتن و پرهیز از توهین، محبت، به‌کارگیری اسامی و القاب نیکو، پرهیز از تحقیر و تمسخر در زمره ارزش‌های کلامی و تکریم، صبر، حیا و عفت، عفو و گذشت، پرهیز از تجمل‌گرایی و کنترل خشم در زمره «ارزش‌های غیرکلامی» در تحکیم خانواده اثرگذارند. خالدی سردشتی، محمدی و هاشمیان‌فر (۱۴۰۳) در مقاله «بررسی تأثیر آموزش‌ها و مشاوره‌های قبل از ازدواج بر تحکیم خانواده در سه سال اول زندگی مشترک در بین جوانان ازدواج‌کرده شهرهای اصفهان و شهرکرد» به این نتایج دست یافته‌اند که «آموزش‌ها و مشاوره‌های قبل از ازدواج» بر «تحکیم خانواده» و ابعاد آن در سه سال اول زندگی مشترک تأثیر مستقیم، مثبت و معناداری دارد ($p < 0.05$). آموزش‌ها و مشاوره‌های قبل از ازدواج به میزان ۴۶ درصد بر تحکیم خانواده مؤثر است.

یافته‌های پژوهش دهدست و قبادی (۱۳۹۹) با عنوان «تبیین شاخص‌های گسست در خانواده ایرانی متأثر از فرایند نوسازی» مبین آن است که اختلال در کارکرد عاطفی و جنسی خانواده متأثر از عوامل سطح کلان «تغییرات ساختاری»، «میراث ارزشی» و «تغییرات معنایی» و عوامل سطح خرد شامل «عدم صلاحیت‌های پیش از ازدواج» و «عدم مهارت‌های پس از ازدواج»، زمینه‌ساز کاهش استحکام خانواده ایرانی شده است. در این میان، تسهیل‌کننده این فرایند «عدم آگاهی خانواده‌ها پیرامون قدرت گفتمان‌های غالب در خلق تجارب جدید ارزشی، معنایی و ساختاری» بوده است.

هاشمی‌نژاد، عیوضی و حاجیانی (۱۳۹۸) در پژوهش مشترکی با عنوان «آینده‌پژوهی خانواده اسلامی - ایرانی از حیث ساختار و سبک زندگی در افق ۱۴۱۴» تصریح نموده‌اند که خانواده یکی از نهادهای اجتماعی است که به لحاظ سبک زندگی و پیامدهای ناشی از آن، در طول تاریخ و در جوامع مختلف، دستخوش تحولاتی شده است؛ از این‌رو، برای هرگونه اظهارنظر و سیاست‌گذاری در تقویت و تحکیم این نهاد، نیازمند توجه به پیشران‌ها،

روندها و رویدادها در جوامع مختلف از جمله جامعه‌ی هدف و جوامع تأثیرگذار است تا بتوان آینده‌های بدیل خانواده را در آن جامعه شناسایی و تفسیر علمی کرد. بر این مبنای، در این پژوهش، با تکیه بر دانش آینده‌پژوهی و روش‌های کارآمد در این حوزه، سناریوهای آینده‌ی خانواده در ایران از حیث ساختار و سبک زندگی در یک افق بیست‌ساله ارائه شده است. در واقع، این پژوهش یک تحقیق آینده‌پژوهانه است که در آن شناسایی مؤلفه‌های کلیدی و پیشران‌های اصلی تعیین شده و سناریوسازی با استفاده از رویکرد چرماک و الگوی لایه‌ای توسعه‌ی راهبرد مبتنی بر سناریوسازی انجام شده است. ملک سلیمان، طلا و مس، آن دختر و گرگ وال‌استریت عناوین سناریوهای ترسیم‌شده در این پژوهش هستند که مختصات خانواده در هر یک بحث و بررسی شده است.

«عوامل تحکیم خانواده در فرهنگ اسلامی» عنوان پژوهشی از حسن‌زاده (۱۳۹۳) است که عوامل تحکیم خانواده را در نظام فرهنگ اسلامی با استفاده از منابع اسلام و آثار متفکران تربیتی مورد بررسی، تحلیل و نقد قرار داده است. یافته‌های این مطالعه مبین آن است که عوامل بسیاری در تحکیم بنیان خانواده و سرزندگی آن مؤثرند؛ از جمله حسن معاشرت در خانواده، نظم و انضباط، وجود روحیه مشورت در خانواده، صبر و پایداری زندگی، روحیه عفو و گذشت، حاکمیت صداقت در فضای خانواده، پرهیز از سوءظن، آفت حسد، رازداری و وفاداری، مشی با آرامش و بی‌تکبر، حلم و بردباری، ترس از کيفر الهی، دوری از افراط و تفریط، تواضع، دوری از سختگیری و اسراف و نیز احسان به پدر و مادر، همگی از عوامل تحکیم خانواده‌اند.

موننگومری (۲۰۰۸) در مقاله «خانواده‌های ۲۰۲۵ امریکایی: روندها و سناریوهای آینده» وضعیت فرهنگی و اوضاع اقتصادی آینده را به‌عنوان دو عدم قطعیت کلیدی معرفی کرده و با توجه به اینکه در آینده، فرهنگ لیبرال در جامعه رواج یابد یا جامعه به سمت محافظه‌کاری پیش برود و از طرف دیگر، جامعه با توسعه‌ی اقتصادی روبه‌رو شود یا رکود، چهار سناریو را ترسیم کرده است.

جنورجیاس و همکارانش (۲۰۰۶) در پژوهشی بین‌المللی با عنوان «خانواده‌ها در سراسر فرهنگ‌ها» با بررسی تغییرات خانواده در ۳۰ کشور دنیا، به این نتیجه رسیده‌اند که نوسازی اجتماعی می‌تواند موجب تغییر ارزش‌های خانواده و ظهور فردگرایی در عرصه‌ی آن شود؛ اما این اثرگذاری در جوامع مختلف شدت متفاوتی دارد. به این معنی که اثرگذاری فرایندهای نوسازی در خانواده تابعی از مجموعه ویژگی‌های فرهنگی، تاریخی، اقلیمی و ویژگی‌های فردی در جوامع مختلف است.



با وجود انجام تحقیقات گسترده در زمینه شناسایی عوامل مؤثر بر حفظ و تحکیم خانواده، بررسی‌ها نشانگر آن است که ضرورت دارد در رابطه با عوامل مؤثر بر این پدیده در خانواده اسلامی - ایرانی، مطالعاتی صورت پذیرد؛ از این رو، انجام پژوهشی در این حوزه از آن باب که نخست، ادبیات نظری حوزه مورد مطالعه را غنا می‌بخشد، شایان توجه بوده و از سوی دیگر، این پژوهش می‌تواند از لحاظ نظری نشان دهد نه تنها عواملی در این خصوص تأثیرگذار است، بلکه زمینه‌ها یا موقعیت‌هایی که ممکن است انگیزه، تمایل و تصمیم افراد در این خصوص را تسهیل کنند نیز مهم و اثرگذارند.

۲- چهارچوب مفهومی

«تحکیم» در لغت به معنای «استوار کردن» است (معین، ۱۳۹۵: ذیل واژه تحکیم)؛ مفهوم «تحکیم» در کنار مفهوم «خانواده»، از منظر اصطلاحی مبین استواری و استقرار نهاد خانواده است؛ در واقع، مقصود از تحکیم خانواده، فراگیری اصل اعتدال میان همگان، حاکمیت اخلاق و حفظ حقوق همه اعضا است. اگر هدف از برقراری زوجیت و تشکیل خانواده، به تعبیر قرآن، «سکونت و آرامش اعضا» است، لازم است که همه رفتارها و تعامل‌ها در راستای تحقق این هدف باشد و منظور از تحکیم هم، به کمال رساندن همین سکون است (حسینی، ۱۳۸۷: ۴۸).

اولین و مهم‌ترین عناصری که خانواده به واسطه آن‌ها قوام می‌یابد، وجود افرادی است که خانواده از آن‌ها تشکیل شده و آن «زن» و «مرد» است که با وجود فرزندان تکمیل می‌شود. در چنین فرضی، خانواده از ثبات حداقلی و تحکیم فیزیکی برخوردار است؛ اما آنچه به این حضور فیزیکی معنا بخشیده و خانواده را از تحکیم بیشتری برخوردار می‌سازد، احساس تعلق و پیوند میان اعضا است (عبدالمحمدی و همایون فرد، ۱۴۰۲: ۳۴).

موارد مذکور، اصول پایه و زیربنایی بحث تحکیم خانواده است؛ اما نباید از اثرگذاری عوامل دیگر در این مهم غفلت نمود. با توجه به آنکه دغدغه پژوهش حاضر شناسایی عوامل اثرگذار بر حفظ و تحکیم خانواده اسلامی - ایرانی است و با اذعان بر این مهم که خانواده ایرانی امروزه تحولاتی را تجربه نموده و دچار دگرگونی ارزشی شده است، در این بخش، مبانی نظری مرتبط با تحولات نهاد خانواده نیز مطرح می‌شود. پرسش این است که چرا استحکام نهاد خانواده دستخوش این تحولات شده است؟ قدر مسلم، تبیین‌های زیادی برای این جریان وجود دارد و نظریه‌هایی سهم بسزایی در این حوزه دارند که در ادامه ذکر می‌شوند.

الف) نظریه نوسازی: نظریه نوسازی تغییرات خانواده را به تغییرات ساختاری در زندگی

اجتماعی کل به جهت ظهور نیروهای جدید اجتماعی، یعنی سه جریان صنعتی شدن، شهرنشینی و آموزش همگانی مرتبط می‌کند. بر این اساس، تحولات خانواده به‌عنوان سازگاری نظام مند با تغییر در شرایط نظام اجتماعی کل یا به‌عبارتی، انطباق با شرایط اقتصادی اجتماعی تغییر یافته در نظر گرفته می‌شوند (عباسی شوازی و صادقی: ۱۳۸۴: ۲۸).

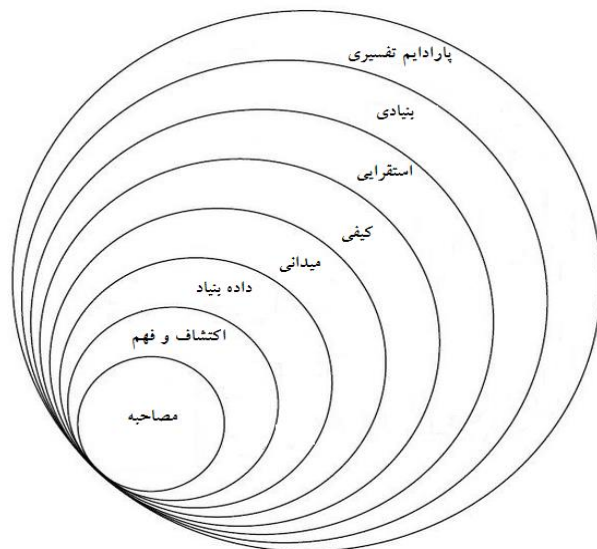
ب) نظریه تحول فرهنگی (ارزشی): نظریه تحول فرهنگی (ارزشی) اینگلهارت تحولات خانواده را ناشی از توسعه سرمایه‌داری و رشد اقتصادی سریع در جامعه و در ادامه، تحول فرهنگی و ارزشی که منجر به جایگزینی ارزش‌های فرامادی به‌جای ارزش‌های مادی شد، عنوان می‌کند و اذعان دارد که خانواده و تأکید بر ثبات خانواده با نیاز به ایمنی و امنیت ارتباط دارد و در نتیجه، می‌توان آن‌ها را به‌عنوان ارزش‌های مادی‌گرایانه رتبه‌بندی کرد؛ از این رو، در نتیجه این تحول فرهنگی و به‌خصوص ظهور ارزش‌های لیبرال در فرد، تغییراتی در حوزه‌های مختلف ارزشی، ساختاری و کارکردی خانواده رخ می‌دهد؛ دگرگونی‌هایی مثل تحول خانواده، کاهش زادوولد و بالا رفتن امید به زندگی و تضعیف ارزش‌های مذهبی و کم‌اهمیت شدن و تضعیف ارزش‌های سنتی (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۹۹: ۴۵).

ج) نظریه جامعه شبکه‌ای: ورود شبکه‌های مجازی، هویت اجتماعی جوامع امروزی را دچار تغییر و تحولات عمده کرده است. نظریه شبکه‌ای تأثیر شبکه‌های مجازی را بر همه ابعاد زندگی نشان داده و مطرح می‌کند که چگونه شبکه‌های مجازی سبب تغییر سبک زندگی افراد می‌شوند. به عقیده کاستلز، از آنجاکه انتقال و جریان فرهنگ از طریق ارتباطات صورت می‌گیرد، حوزه فرهنگ که نظام‌هایی از عقاید و رفتارها را شامل می‌شود، با ظهور فناوری جدید دستخوش دگرگونی‌های بنیادین می‌گردد. پیامد این امر، شکل‌گیری نوع جدید از تعاملات انسانی است که ضمن تمایز از الگوهای ارتباطی مرسوم در رسانه‌های ارتباط جمعی، عملاً فرصت‌های نوینی را در جهت تجلی خود و هویت به‌وجود می‌آورد. امروزه حتی اعضای خانواده‌ها به‌ندرت معنای واحدی از هویت در ذهن دارند. این امر تشخیص اصالت‌ها را روزبه‌روز دشوارتر ساخته است. کشاکش فرهنگی، ارزش‌ها و رفتارها در خانواده‌ها را نیز دچار دگرگونی کرده و بسیاری از رفتارهای ثابت و دیرین خانوادگی کمرنگ شده و رفتارهای دیگری بر جای آن نشسته است (درشتی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۲۴)؛ در این میان، می‌توان مدت‌زمان استفاده، طول مدت دسترسی و مداومت استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی را متغیرهای مستقل برای بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر بروز آسیب‌های اجتماعی نوظهور در خانواده در نظر گرفت؛ زیرا هرکدام از این عوامل باعث کاهش روابط درون خانواده و در نهایت، گسست و فروپاشی نهاد خانواده می‌شود (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴۸).

د) نظریه حوزه عمومی: بر طبق نظریه حوزه عمومی هابرماس، شبکه‌های اجتماعی عرصه‌ای است که در آن افراد به منظور مشارکت در مباحث باز و علنی گرد هم می‌آیند و کنش ارتباطی از طریق بیان و گفت‌وگو تحقق می‌یابد؛ بنابراین، محیط تعاملی شبکه‌های اجتماعی مجازی را می‌توان فضایی در نظر گرفت که کاربران به راحتی در آن به گفت‌وگو می‌پردازند، فضای صمیمیت و ابراز احساسات در محیط‌های تعاملی شبکه اجتماعی مجازی شکل می‌گیرد که از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند؛ کاربران نیازهای خود را با هم در میان گذاشته، مسائل و مشکلات خود را مطرح می‌کنند و انرژی عاطفی خود را در این محیط‌ها مصرف می‌نمایند که این تخلیه انرژی می‌تواند بر ارزش‌های خانواده مؤثر باشد. بر این اساس، باید اذعان داشت شبکه‌های اجتماعی علاوه بر جنبه مطلوب و هنجارمندی که در این فضا به سرعت تولید و بازتولید می‌شود، جنبه‌ها و سویه‌های تاریک و آسیب‌زایی را در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها در جهان واقعی ایجاد کرده‌اند که به سرعت در حال افزایش و گسترش است (ضابط و رادمهر، ۱۳۹۹: ۱۲).

روش پژوهش

بر مبنای مدل پیاز پژوهش ساندرز روش‌شناسی نوشتار حاضر بدین شرح است:



نمودار ۱: مدل پیاز پژوهش

همان گونه که در مدل بالا آمده است، روش پژوهش انتخابی در این مطالعه، از نوع «اکتشافی» مبتنی بر گراند تئوری (داده بنیاد) بر مبنای نظریات اشتروس و کوربین است که این روش، مشتمل بر سه مرحله کدگذاری به شکل باز، محوری و انتخابی است. جامعه هدف تحقیق شامل خبرگان و متخصصان در حوزه فرهنگی و نیز خانواده است که اعتبار پاسخگویی به سؤالات پژوهش در رابطه با عوامل مؤثر بر حفظ و تحکیم خانواده اسلامی - ایرانی را دارند. این خبرگان در چند دسته قرار می گیرند: الف) خبرگان و صاحب نظران در حوزه سیاست گذاری فرهنگی؛ ب) اساتید و مطلعان دانشگاهی در حوزه خانواده و سیاست گذاری فرهنگی. شایان ذکر است برای انتخاب نمونه در تحقیق حاضر از دو راهبرد استفاده شد؛ ابتدا با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند، آن دسته از کارشناسانی که به نظر محقق در زمینه پژوهش متخصص هستند شناسایی شدند و مورد مصاحبه و نظرخواهی قرار گرفتند؛ سپس با استفاده از روش نمونه گیری گلوله برفی، از این افراد خواسته شد تا افراد دیگر را که به موضوع تحقیق آشنایی دارند، معرفی نمایند؛ به همین ترتیب، واحدهای دیگر نمونه شناسایی و انتخاب شدند. در کل، حجم نمونه پژوهش که اشباع نظری و نیز کفایت نظری را در پی داشته بیست نفر بودند (ده نفر از خبرگان و صاحب نظران در حوزه سیاست گذاری فرهنگی و ده نفر از اساتید و مطلعان دانشگاهی در حوزه خانواده، مدیریت و مدیریت فرهنگی).

درخصوص اعتبار نتایج حاصل از مصاحبه باید خاطر نشان کرد، این مطالعه به شیوه ای طراحی شده است که بتواند یافته های موثقی درخصوص عوامل مؤثر بر حفظ و تحکیم خانواده اسلامی - ایرانی ارائه دهد. برای ارزیابی قابل اتکابودن یافته و تفسیرها، از معیارهای تحقیق کیفی مدنظر گویا و لینکلن (۱۹۸۵) شامل اعتمادپذیری، اتکاپذیری، تصدیق پذیری، راستی و معیارهای نظریه داده بنیاد شامل تطابق، فهم پذیری و عمومیت استفاده شده است (محمدپور، ۱۳۸۹: ۸۱).

جدول ۱: معیارهای اعتباریابی و سنجش کفایت فرایند تحقیق (محمدپور، ۱۳۸۹: ۸۱)

معیار	شوح
اعتمادپذیری (تا چه اندازه نتایج حاصل از تحقیق، نماینده داده های مطالعه است؟)	سه ماه هدایت مصاحبه ها؛ تلاش مداوم و مستمر محقق برای انجام مصاحبه با خبرگان و صاحب نظران؛ مصاحبه دوباره با پنج نفر از مشارکت کنندگان با هدف پالایش بهتر یافته ها؛ نتیجه: بسط و پالایش تفسیرها.
انتقال پذیری (قابلیت به کارگیری یافته های مطالعه در حاضر مشارکت نداشتند قرار گرفت تا انتقال پذیری و تناسب آن نیز بررسی شود.	جامعه آماری عملکرد خوب و قابل قبولی در طول مصاحبه ها ارائه داده است. نتایج پژوهش در اختیار تعدادی از خبرگان و صاحب نظران که در پژوهش حاضر مشارکت نداشتند قرار گرفت تا انتقال پذیری و تناسب آن نیز بررسی شود.



معیار	شرح
موقعیت‌های مشابه دیگر)	حاصل این روند، ضمن تأیید یافته‌ها، ارائه یک‌سری تجربیات و دیدگاه‌های تکمیلی بود که در فرایند تحلیلی داده‌ها به‌کار گرفته شده است. نتیجه: مفاهیم نظری ارائه شده از داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها استخراج شده است.
اتکا پذیری (ثبات و پایداری در تبیین‌های صورت پذیرفته)	در مصاحبه‌ها افراد تجربیات خود را در مورد سیاست‌گذاری فرهنگی در راستای حفظ و تحکیم نهاد خانواده اسلامی - ایرانی بیان نمودند. مصاحبه‌ها براساس تجربیات واقعی گذشته و آنچه در حال روی دادن است طراحی شد و از بیان دیدگاه‌های شخصی پرهیز شد. نتیجه: صرف‌نظر از زمان، به تجربیات ایشان پی برده شده است.
عمومیت (یافته‌ها ابعاد مختلف پدیده مورد نظر را در خود جای داده‌اند).	باز بودن مصاحبه‌ها و اختصاص زمان کافی به آن‌ها پرده از ماهیت پدیده مورد بررسی برداشت؛ همه‌جانبه‌گرایی و بررسی سیاست‌گذاری‌های فرهنگی موجود در خصوص حفظ و تحکیم خانواده در ایران برای روشن ساختن مضامین و مفاهیم؛ نتیجه: ابعاد متعددی از پدیده مورد بررسی شناسایی شد.
تصدیق پذیری (یافته‌های حاصل از مصاحبه برآمده و تحت تأثیر سوگیری محقق نبوده است).	دقت نظر محقق در طول مصاحبه‌ها و پرهیز از ارائه دیدگاه‌های شخصی جهت هدایت بحث؛ بررسی مجدد مصاحبه و تفاسیر با مشارکت کنندگان؛ ارائه خلاصه‌ای از مدل به پنج نفر از مصاحبه‌شوندگان و دریافت دیدگاه‌های ایشان؛ نتیجه: توسعه و پالایش تفاسیر.
راستی (تفسیرها تحت تأثیر اطلاعات نادرست افراد قرار نگرفته است).	مصاحبه‌ها با حفظ محرمانگی، به صورت حرفه‌ای و در فضای صمیمانه انجام شده است. افراد مصاحبه‌شونده به صورت آزاد و به دور از هرگونه فشار، دیدگاه‌های خود را بازگو کرده‌اند. علاقه‌مندی مصاحبه‌شوندگان به ادامه جلسه مصاحبه؛ نتیجه: شواهدی مبنی بر طفره رفتن مصاحبه‌شوندگان از بیان دیدگاه دیده نشد.
تطابق (یافته‌ها با ساختار ذهنی افراد نسبت به پدیده تطبیق دارد).	محقق شدن از طریق روش‌های استفاده شده در اعتمادپذیری، اتکاپذیری و تصدیق‌پذیری؛ نتیجه: مقوله‌ها پالایش شد. مطالعه به سمت نظریه‌ای سوق پیدا کرد که حفظ و تحکیم خانواده اسلامی - ایرانی را در پی داشته باشد و ماهیت خانواده مطلوب اسلامی - ایرانی را نشان می‌دهد.
فهم‌پذیری (نتایج مبین جهان واقعی است).	یافته‌های مطالعه در اختیار پنج نفر از صاحب‌نظران و پنج نفر از خبرگان دانشگاهی قرار داده شد. نتیجه: اصلاحات مدنظر خبرگان در مدل نهایی لحاظ شد.
کنترل‌پذیری (تمرکز بر ابعاد قابل کنترل پدیده مورد بررسی)	سیاست‌گذاران و نهادهای سیاست‌گذار مربوطه بر تعداد قابل توجهی از متغیرهای موجود در مدل کنترل دارند. نتیجه: نهاد خانواده قادر خواهد بود با ارتقای متغیرها به جایگاه ایدئال و غایی خود که همان حفظ و تحکیم خانواده اسلامی - ایرانی است، دست یابد.

یافته‌ها

در پژوهش حاضر، به منظور شناسایی عوامل مؤثر بر حفظ و تحکیم خانواده اسلامی - ایرانی بر مبنای نظریه داده بنیاد، در قالب مصاحبه‌های انجام شده با جامعه هدف، از سؤالات زیر استفاده شده است:

- ۱- عوامل علی و موجد حفظ و تحکیم خانواده اسلامی - ایرانی کدام است؟
 - ۲- عوامل زمینه‌ای مؤثر بر حفظ و تحکیم خانواده اسلامی - ایرانی کدام است؟
 - ۳- عوامل مداخله‌گر اثرگذار بر حفظ و تحکیم خانواده اسلامی - ایرانی کدام است؟
- سپس، با مطالعه دقیق پاسخ‌های ارائه شده از سوی مصاحبه‌شوندگان، داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها (گزاره‌ها) که حکم داده‌های پژوهش را دارند، استخراج شد تا تجزیه و تحلیل شود. تجزیه و تحلیل داده‌ها در این نوشتار، بر اساس دستورالعمل استراوس و کوربین، شامل سه مرحله اصلی کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی است. یافته‌های حاصل از مراحل سه گانه مذکور به شرح زیر است:

۱- یافته‌های حاصل از بخش کدگذاری باز (آزاد)

کدگذاری باز اولین مرحله در تجزیه و تحلیل داده‌ها و کدگذاری در فنون تحلیلی پیشنهاد شده استراوس و کوربین است. در طول مرحله کدگذاری باز، متن مصاحبه‌ها به دقت بررسی و گزاره‌های موجود در متن استخراج شد که در نهایت، ۶۴ گزاره استخراج و سپس تلاش شد اعمال برجسب مفهومی به واحدهای معنادار برآمده از مصاحبه‌ها صورت پذیرد. ماحصل انجام این مرحله، پژوهشگر را به ۱۲ کد باز هدایت نمود. جدول ذیل مبین نمونه‌هایی از گزاره‌ها و کدهای باز در این مطالعه است.

جدول ۲: یافته‌های حاصل از کدگذاری باز

مفاهیم	فراوانی	گزاره‌ها
ماهیت ارتباط میان اعضای خانواده	۹	صمیمیت میان زوجین
	۱۱	سازگاری و تفاهم میان زوجین
	۷	رعایت عدالت و انصاف
فضایل اخلاقی زوجین	۶	تعهد و مسئولیت‌پذیری
	۳	مدارا و تسامح
	۱	غیرت
	۲	قناعت



مفاهیم	فراوانی	گزاره‌ها
ازدواج قاعده‌مند	۱۴	فرزندآوری
	۱۱	روابط خوب جنسی
	۵	ازدواج در سن مناسب
مدیریت و رهبری خانواده	۶	اشتراک اتخاذ تصمیمات در خانواده توسط زوجین
	۳	تعیین دقیق وظایف، حدود و اختیارات زوجین
	۵	کنترل و نظارت بر رفتار فرزندان
	۸	همکاری و همراهی اعضای خانواده با یکدیگر
تحولات عمیق فرهنگی	۶	دگرگونی در سبک زندگی
	۲	شکل‌گیری انواع جدید خانواده (غیررسمی)
	۵	جریان نفوذ فرهنگی غرب
دگرگونی در نگرش به خانواده و امر ازدواج	۷	تأکید بر قداست نهاد خانواده
	۷	نگرش فرامادی به ازدواج و تشکیل خانواده
	۹	تقویت تفکر دینی در افراد جامعه (دین‌داری)
دگرگونی در هنجارهای تشکیل خانواده	۲	همسرگزینی مبتنی بر محوریت و موافقت والدین
	۵	سهل‌گیری و نفی معیارهای نادرست همسرگزینی
رسانه‌ای شدن جامعه	۳	تحولات سریع اطلاعات و تکنولوژی‌های ارتباطی
	۸	میزان استفاده از وسایل ارتباطی
	۹	گسترش شبکه‌های اجتماعی
	۱	تغییر در شبکه ارتباطی اعضای خانواده
وضعیت اقتصادی خانواده	۱۶	میزان درآمد خانواده
	۸	اشتغال هم‌زمان زن و مرد
	۱۱	تأمین اشتراکی هزینه‌های خانواده از سوی زوجین
	۲	درک موقعیت و جایگاه خانواده از سوی اعضای آن
همسان‌گزینی زوجین	۱	داشتن مذهب مشترک زوجین

مفاهیم	فراوانی	گزاره‌ها
تأمین نیازها	۶	تناسب سنی
	۶	تناسب مالی و سطح اقتصادی زوجین
	۱۱	ارضای نیازهای جنسی
تأمین نیازها	۷	ارضای نیازهای عاطفی
	۹	تأمین آرامش روانی همسران

۲- یافته‌های حاصل از بخش کدگذاری محوری و انتخابی (گزینشی)

در دومین مرحله از مراحل سه‌گانه تجزیه و تحلیل داده‌بنیاد منسوب به «مرحله کدگذاری محوری»، مفاهیم براساس اشتراکات و یا هم‌معنایی در کنار هم قرار می‌گیرند؛ به عبارت دیگر، کدها و دسته‌های اولیه‌ای که در کدگذاری باز ایجاد شده‌اند با یکدیگر مقایسه می‌شوند و ضمن ادغام کدهایی که از نظر مفهومی با یکدیگر مشابه‌اند، دسته‌هایی که به یکدیگر مربوط می‌شوند حول محور مشترکی قرار می‌گیرند. بر این مبنایا، با تأمل بر مفاهیم استخراج شده در مرحله کدگذاری باز، در پاسخ به سؤالات مصاحبه که مبتنی بر سه محور از محورهای شش‌گانه نظریه داده‌بنیاد (عوامل علی، عوامل زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر، پدیده محوری، راهبردها و پیامدها) بودند، تلاش شد کدهای محوری مربوطه به هر یک از حوزه‌های مذکور تعیین شود. سپس در گام بعدی، مرحله نهایی گراندد تئوری که کدگذاری انتخابی و انتخاب مقوله واحد و نهایی از مقوله‌های احصاشده در مرحله قبل (کدگذاری محوری) است، عملیاتی شود. در ادامه، به یافته‌های حاصل از بخش کدگذاری محوری و انتخابی اشاره می‌شود.

۲-۱- یافته‌ها در خصوص عوامل علی

شرایط علی به مجموعه علل و شرایطی اشاره دارد که کنشگر را به روی آوردن به رفتار خاصی ترغیب می‌نماید که بر پدیده‌ها اثر می‌گذارند. تدقیق و تأمل صورت گرفته حاکی از آن است که مصاحبه‌شوندگان سه دسته عوامل «فرهنگی»، «رفتاری» و «روانشناختی» را در «حفظ و تحکیم نهاد خانواده» در خانواده اسلامی - ایرانی اثرگذار عنوان نموده‌اند؛ هر یک از علل مذکور، مقولاتی اصلی را به خود اختصاص داده و مشتمل بر زیرمقوله‌هایی به شرح جدول زیر هستند.



جدول ۳: نتایج حاصل از کدگذاری محوری شرایط علی

بعد	کد گزینشی	کد محوری	مقوله اصلی	زیرمقوله‌ها
عوامل علی اثرگذار بر حفظ و تحکیم خانواده	عوامل فرهنگی	دگرگونی در سبک زندگی فردی و اجتماعی ایرانیان	دگرگونی در نگرش به خانواده و امر ازدواج	تأکید بر قداست نهاد خانواده، نگرش فرامادی به ازدواج و تشکیل خانواده، تقویت تفکر دینی در افراد جامعه (دین‌داری)
			دگرگونی در هنجارهای تشکیل خانواده	الگوی همسرگزینی مبتنی بر محوریت و موافقت والدین، سهل‌گیری و نفی معیارهای نادرست همسرگزینی، ازدواج با فردی که دارای ایمان و حسن خلق است و ازدواج با فردی دارای سلامت جسمی و روانی، ازدواج در سن مناسب، فرزندآوری، روابط خوب جنسی، فاصله سنی مناسب میان زوجین، عدم تجمل‌گرایی در ازدواج و تشکیل خانواده
	عوامل رفتاری	فضایل اخلاقی زوجین	ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی زوجین	تعهد و مسئولیت‌پذیری، مدارا و تسامح، غیرت، قناعت، عفت و پاکدامنی، آینده‌نگری، همکاری، رعایت عدالت و انصاف زوجین نسبت به یکدیگر، گذشت و فداکاری
			ماهیت ارتباط زوجین	صمیمیت زوجین، عشق و احساس متقابل، اعتماد متقابل
	عوامل روان‌شناختی	الزامات ارتباط متقابل میان زوجین	کیفیت ارتباط زوجین	تکریم شخصیت همسر، رضایت زناشویی، سازگاری و تفاهم
			ماهیت ارتباط زوجین	صمیمیت زوجین، عشق و احساس متقابل، اعتماد متقابل

با تأمل بر محتوای جدول پیشین می‌توان گفت که کد محوری «دگرگونی در سبک زندگی فردی و اجتماعی ایرانیان» بر مبنای مقولات اصلی «دگرگونی در نگرش به خانواده و امر ازدواج» و «دگرگونی در هنجارهای تشکیل خانواده»؛ «فضایل اخلاقی زوجین» بر مبنای مقوله اصلی «ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی زوجین» و مقوله محوری «الزامات ارتباط متقابل میان زوجین» بر مبنای مقولاتی اصلی مشتمل بر «ماهیت ارتباط میان زوجین» و نیز «کیفیت ارتباط میان زوجین» معنایی شده و مورد شناسایی قرار گرفته است. با تأمل در کدهای محوری احصاشده و بررسی دقیق مقوله‌های به‌دست‌آمده در مرحله کدگذاری محوری عوامل علی، کد انتخابی که می‌توان برای عوامل علی اثرگذار بر حفظ و تحکیم

خانواده اسلامی - ایرانی تخصیص نمود عبارت است از: «عواملی که واجد ابعاد مختلفی از جمله ابعاد فرهنگی، رفتاری و روان‌شناختی می‌باشند». در ادامه، برخی عوامل علی‌شناسایی شده اثرگذار بر حفظ و تحکیم خانواده اسلامی - ایرانی تشریح می‌شود:

فرزندآوری: در آموزه‌های دینی یکی از حکمت‌های مهم تشکیل خانواده و آفرینش انسان در قالب زن و مرد، تولید نسل و بقای آن است. فرزندآوری یکی از فرایندهای زیربنایی در تحکیم و رضایتمندی خانواده محسوب می‌گردد.

مصاحبه‌شونده شماره ۴ در این باره بیان می‌دارد: «لازمه یک زندگی موفق، داشتن فرزندان سالم و صالح است. نقش فرزند در تحکیم خانواده اهمیت بسیاری زیادی دارد. به همین دلیل، در تمام فرهنگ‌ها و مذاهب برای فرزندآوری ارزش زیادی قائل شده‌اند؛ زیرا می‌دانند که تأثیر مستقیمی در کیفیت زندگی خانواده دارد».

مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ در خصوص موضوع یادشده می‌گوید: «زن و مرد بعد از ازدواج گاهی به دلیل تکرار مکررات زندگی، بی‌هدف و بی‌انگیزه می‌شوند؛ طوری که گاهی از خود می‌پرسند اصلاً هدف از ازدواج چه بوده است؛ اما با تولد فرزند همه چیز به یکباره تغییر می‌کند و زندگی‌شان هدفمند می‌شود. برنامه‌ریزی برای آینده بیشتر شده و افرادی مسئولیت‌پذیر می‌شوند. سعی می‌کنند تمام تلاش خود را به کار ببندند که آینده‌ی روشنی برای فرزندانشان بسازند و در این راستا، از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کنند و در این مسیر، حفظ و تحکیم کانون خانواده را گام نخست می‌دانند».

پس باید اذعان داشت که اندیشه فرزندآوری در ایجاد آرامش و استواری و کارآمدی خانواده تأثیر زیادی دارد؛ به طوری که نبودن فرزند در محیط خانواده یکی از عوامل ناپایداری زندگی مشترک محسوب می‌شود. در عین حال، رفتارهای باروری و فرزندآوری موضوعاتی پیچیده و دارای ریشه‌های فرهنگی، رفتاری و عقیدتی تلقی می‌شود که در بستر انتقال جمعیت و توسعه اقتصادی و اجتماعی تغییر می‌یابد؛ اما در شریعت اسلام، آیات قرآن و روایات متعددی وجود دارد که در آن‌ها، ارزشمند بودن فرزندآوری یادآور می‌شود و تصریح می‌نماید که رعایت دستورات معنوی اسلام برای حفظ حریم خانواده می‌تواند به ازدواج زود هنگام و در نتیجه، به باروری بیشتر منجر شود. با وجود این، امروزه به دلیل دگرگونی‌های ویژه در سبک زندگی افراد، یکی از مشکلات اساسی در عصر حاضر، بی‌رغبتهی به فرزندآوری و فرزندپروری است و اگر این فرایند ادامه یابد، در سال‌های نه‌چندان دور، با جمعیتی پیر و فرسوده روبه‌رو می‌شویم؛ در نتیجه بنیان‌های اقتصادی، تولیدی، اجتماعی و سیاسی با آسیب‌های جدی مواجه می‌شود و نه صرفاً بنیان نهاد خانواده.



رضایت زناشویی: هدف اساسی هر ازدواجی رضایت زناشویی است. رضایت زناشویی حالت ذهنی مثبتی تعریف می‌شود که نشان‌دهنده میزان شاد بودن با همسر است (یو و جو، ۲۰۲۲: ۱۵۷۷) که به‌عنوان یکی از شاخص‌های کیفیت زندگی زناشویی مطرح می‌شود (تویینگ و همکاران، ۲۰۰۳: ۵۷۶).

یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر رضایت زناشویی، «هماهنگی نگرش‌های زوجین» است. نگرش‌ها عملکردی هستند که پردازش اطلاعات، ارزیابی‌های موقعیتی، تصمیم‌گیری‌ها و رفتار را هدایت می‌کنند (سانبونمتسو و همکاران، ۲۰۱۲: ۳۵۳). زوجینی که مشابه یکدیگر هستند، یکدیگر را جذب می‌کنند و روابط زناشویی صمیمی‌تر، شادتر و بادوام‌تری دارند. میزان مشخصی از همانندی در زوجین، تشابه در نگرش‌ها است. شباهت نگرش‌ها به این موضوع اشاره می‌کند که میزان تشابه نگرش یک فرد، تا چه اندازه مشابه فرد دیگر است. در این میان، عامل دیگری که رضایت زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، «آشنایی با نگرش‌های همسر» است؛ به‌طور کلی، زوج‌ها تمایل به داشتن ادراک دقیق‌تر از یکدیگر دارند. هرچه میزان آگاهی زوج از نگرش‌های شریک زندگی‌اش بیشتر باشد، در نتیجه ارتباط آن‌ها موفقیت‌آمیزتر بوده و منجر به احساس شادکامی بیشتر و رضایت بیشتر از رابطه می‌شود (موره و همکاران، ۲۰۱۷: ۷۹). تحقیقات نشان داده زوجینی که با نگرش‌های یکدیگر آشنایی بیشتری دارند، تعاملات مثبت و اعتماد به نفس بیشتری در زندگی روزمره دارند؛ همچنین، مشاجره کمتر، رفتارهای حمایتی بیشتر و سطح بالاتری از دلبستگی را دارند و یکدیگر را کمتر می‌رنجانند و لذا کانون خانواده‌شان مستحکم‌تر است (فکوری اشکیکی و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۲).

مصاحبه‌شونده شماره ۷ در این خصوص گفت است: «رضایت زناشویی بر احساس نزدیکی یا دوری همسران از یکدیگر مؤثر است. مشهود آن است همسرانی که از کلیت رابطه خود رضایت دارند، احساس نزدیکی و همدلی بیشتری داشته و در احساسات و دغدغه‌های یکدیگر مشارکت می‌کنند و به ارضای نیازهای همدیگر نیز توجه دارند و این رضایت زناشویی بالا باعث کاهش خطر طلاق می‌شود و نقش مهمی در استحکام زندگی زناشویی و دوری از طلاق عاطفی زن و شوهر دارد».

سازگاری و تفاهم زناشویی: یکی از جنبه‌های روابط سالم که می‌تواند باعث بهبود ارتباط و تفاهم در میان افراد، به‌ویژه در میان زن و شوهر شود، سازگاری و تفاهم زناشویی است. سازگاری فرایندی است که هر یک از زوجین به‌منظور دستیابی به سطح بهینه‌ای از رضایت زناشویی، به‌صورت فردی یا مشترک، به بهبود الگوهای رفتاری خود می‌پردازند (کیم

و همکاران، ۲۰۱۸: ۲۰۵). سازگاری و تفاهم زناشویی وضعیتی است که به زوجین احساس نشاط، رضایت از ازدواج و تعلق خاطر دست می‌دهد که حاصل آن رشد و پیشرفت همسران در عرصه‌های گوناگون زندگی و افزایش درک متقابل از یکدیگر است (سیهان و آیدوگان، ۲۰۲۰: ۴۷). از جمله ملزومات داشتن سازگاری می‌توان به عناصری مانند انطباق داشتن در سلیقه‌ها، ویژگی‌ها، هنجارها و الگوهای رفتاری زوجین اشاره نمود؛ در کنار آن، همسران سازگار در زندگی زناشویی خود نیز از تعاملات سازنده بیشتری استفاده می‌کنند (روزیان و همکاران، ۱۴۰۱: ۶۷۲). بر این مبنای سازگاری و تفاهم را می‌توان زیربنای کارکرد صحیح خانواده تلقی نمود و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر حفظ و تحکیم خانواده برشمرد.

مصاحبه‌شونده شماره ۱۷ درخصوص مقوله یادشده می‌گوید: «بی‌شک یکی از عوامل تحکیم خانواده، تفاهم است. اگر در خانواده بین زن و شوهر و فرزندان تفاهم وجود داشته باشد، خانواده به‌سوی استحکام و ثبات سیر می‌کند؛ اما عکس این قضیه، اگر تفاهمی نباشد موجب اختلافات کوچک و احياناً اختلافات بزرگ‌تر خواهد شد و می‌تواند تزلزلی در بنیان خانواده ایجاد کند».

امروزه ناسازگاری زناشویی عامل بروز بسیاری از مشکلات جسمانی، کاهش بهداشت روانی، کاهش میزان رضایت از زندگی و اختلال در روابط و عملکرد اجتماعی زوجین، افزایش روزه‌روز تعارضات زناشویی و تداوم آن در طول زندگی و بروز مشکلات گوناگون در روابط زوجین و به‌تبع آن، افزایش احتمال طلاق و گسست خانوادگی می‌شود (ناموران گرمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲).

بهره‌مندی از فضیلت اخلاقی عفت و پاکدامنی: وجود فضایل اخلاقی در زوجین، بسترساز حفظ و تحکیم نهاد خانواده است که از آن جمله، فضیلت «عفت و پاکدامنی» است که از جمله ویژگی‌ها و فضایل رفتاری و نیز ابزاری لازم برای ساختن خانواده و به‌تبع آن، جامعه موفق و ایجاد فضای مطلوب برای پیشرفت و ترقی تلقی می‌شود. امام علی (ع) فرمودند: «ریشه عفت در قناعت است و میوه‌اش کم شدن اندوه‌ها». این فضیلت برای هر انسانی پسندیده است؛ چنان‌که امام باقر (ع) در این زمینه می‌فرماید: «ما عِبْدُ اللَّهِ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ عَفَّةِ بَطْنٍ وَ فَرَجٍ»: «خداوند به چیزی برتر از عفت شکم و شرمگاه، عبادت نشده است» (شافعی، ۱۴۱۲: ۴۹۸). البته این ویژگی در بانوان پسندیده‌تر است.

مصاحبه‌شونده شماره ۹ درخصوص مقوله یادشده بیان نموده: «زن‌های عقیف، هم در تحکیم خانواده خود و هم در تحکیم خانواده دیگران نقش مهمی را ایفا می‌کنند و خداوند در قرآن کریم، در آیات سوره نور به مباحثی از جمله رعایت عفت در گفتار،



نگاه، پوشش و کردار زنان می‌پردازد و زنان را به عفاف دعوت می‌کند. البته فقط بر عفاف زن تأکید نمی‌شود، بلکه تأکید مؤکد بر پاکدامنی مردان هم است. در فرهنگ اسلامی مرد و زن باید از نگاه گناه‌آلود پرهیز نمایند. جلوه‌گری زنان و اشتباه گرفتن محیط اجتماع با خانواده است که می‌تواند بسیاری از مسائل و مشکلات خانوادگی را فراهم سازد. اگرچه خودآرایی برای زن گزینه است و در درون خانواده باشد باعث دوام و شیرینی زندگی می‌شود؛ اما اگر در جامعه باشد موجب فساد و متزلزل شدن بنیان خانواده می‌شود و آفت‌هایی را به دنبال دارد».

تکریم شخصیت همسر: انسان‌ها به‌طور فطری، خواهان احترام مقابل هستند؛ علاوه بر فطری بودن این امر، از نظر شرعی و اخلاقی نیز احترام به دیگران لازم است؛ از این رو، برای پایداری خانواده، احترام زوجین به یکدیگر اجتناب‌ناپذیر است. این امر برای زن نسبت به همسر خویش، در آموزه‌های اسلامی با تأکید بسیار بیشتری بیان شده است؛ چنان‌که امام جعفر صادق (ع) فرمود: «مَلْعُونَةٌ مَلْعُونَةٌ امْرَأَةٌ تُؤْذِي زَوْجَهَا وَتَعْمَهُ، وَسَعِيدَةٌ سَعِيدَةٌ امْرَأَةٌ تُكْرِمُ زَوْجَهَا وَلَا تُؤْذِيهِ وَتُطِيعُهُ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِهِ»: «ملعون است، ملعون است آن زنی که شوهر خود را بیازارد و غمگین کند و خوشبخت است، خوشبخت است آن زنی که شوهر خود را احترام نهد و آزارش ندهد و در همه امور از او تبعیت کند» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۷۵۸).

۲-۲- یافته‌ها در خصوص عوامل زمینه‌ای

عوامل و شرایط زمینه‌ای، اشاره به شرایط خاص و عمدتاً فردی دارد که بر روی پدیده اصلی تأثیر گذارند. تأمل در متن مصاحبه‌ها مبین آن بود که مصاحبه‌شوندگان، عواملی زمینه‌ای را در این خصوص، اثرگذار عنوان نموده‌اند؛ نتایج حاصل از کدگذاری به شرح جدول ذیل است:

جدول ۴: نتایج حاصل از کدگذاری محوری شرایط زمینه‌ای

زیرمقوله‌ها	مقوله اصلی	کد محوری	کد گزینشی	بعد
اظهار محبت، خوش‌خویی، تأمین نیازهای زناشویی، رعایت حقوق یکدیگر و همکاری	وظایف مشترک زن و شوهر نسبت به یکدیگر	وظایف زن و مرد در نهاد خانواده	عوامل درون خانوادگی (درون‌نهادی)	عوامل زمینه‌ای اثرگذار بر تحکیم خانواده
تأمین نیازهای اقتصادی و مالی، تأمین نیازهای روحی و عاطفی، تأمین نیازهای علمی و فرهنگی و غیرتورزی نسبت به زن	وظایف مرد در قبال همسر	وظایف زن و مرد در نهاد خانواده	عوامل درون خانوادگی (درون‌نهادی)	
پذیرش مدیریت مرد در خانواده، امانت‌داری در غیاب شوهر و تأمین آسایش مرد	وظایف زن در قبال همسر			
داشتن مذهب مشترک زوجین، تناسب سنی	همسان‌گزینی	نقاط اشتراک		

		میان زوجین	زوجین	زوجین، تناسب در زیبایی و وضعیت ظاهری، تناسب مالی و سطح اقتصادی زوجین
			همراهی و حمایتگری زوجین	نقش آفرینی زن و شوهر در کمال یکدیگر، اشتغال هم‌زمان زن و مرد، تأمین اشتراکی هزینه‌های خانواده، درک موقعیت و جایگاه خانواده از سوی زوجین

تأمل بر مقوله‌های استخراج شده در بخش شرایط زمینه‌ای حکایت از آن دارد که دو مقوله محوری «وظایف زن و مرد در نهاد خانواده» و «نقاط اشتراک میان زوجین» به عنوان عوامل زمینه‌ای اثرگذار بر پدیده حفظ و تحکیم خانواده اسلامی - ایرانی مورد شناسایی قرار گرفته است. مقوله محوری «وظایف زن و مرد در نهاد خانواده» بر مبنای مقوله‌های اصلی «وظایف مشترک زن و شوهر نسبت به یکدیگر»، «وظایف مرد در قبال همسر» و «وظایف زن در قبال همسر» و مقوله محوری «نقاط اشتراک میان زوجین» بر مبنای مقوله‌های اصلی «همسان‌گزینی زوجین» و «همراهی و حمایتگری زوجین» معنایی شده و مورد شناسایی واقع شده‌اند. در ادامه، برخی عوامل زمینه‌ای شناسایی شده اثرگذار بر حفظ و تحکیم خانواده اسلامی - ایرانی تشریح می‌شود:

وظایف زن و مرد در قبال یکدیگر: در زندگی مشترک، زوجین در قبال یکدیگر حقوق و وظایفی دارند که در صورت ادای حقوق و انجام وظایف توسط طرفین، یک زندگی توأم با صمیمیت، آرامش و موفقیت کامل شکل خواهد گرفت (بنی‌اسدی و باقری نژاد یزدی، ۱۴۰۱: ۵۶).

مصاحبه‌شونده شماره ۱۷ در این باره می‌گوید: «بدون شک حفظ و استحکام زندگی مشترک نیاز به تلاش زن و شوهر دارد. اگر در روابط آن‌ها عشق، محبت، احترام متقابل، رعایت حقوق همدیگر و تفاهم باشد، زوجین زندگی زناشویی پر از عشق و نمونه‌ای خواهند داشت؛ در واقع، زن و شوهر نسبت به یکدیگر وظایف مهمی دارند که رعایت آن‌ها موجب صمیمیت و رفع چالش‌های زندگی مشترک می‌شود و در صورتی که هر کدام از آن‌ها به وظایف خود عمل نکنند، مشکلات و چالش‌های بسیاری در زندگی زناشویی به وجود خواهد آمد». اساساً در بخش وظایف مشترک زن و مرد، موضوعاتی مطرح می‌شود که فارغ از جنسیت، زن و شوهر ملزم به انجام دادن آن هستند تا بنیاد خانواده از استحکام لازم بهره‌مند شود؛ از جمله این موارد، «اظهار محبت زوجین به یکدیگر» است. از آداب مهم و بسیار سفارش شده در اسلام، اظهار محبت به یکدیگر است. حضرت امام موسی کاظم (ع) به نقل از رسول گرامی خدا (ص) می‌فرماید: «إِذَا أَحَبَّ أَحَدُكُمْ أَخَاهُ فَلْيُعَلِّمَهُ فَإِنَّهُ أَصْلَحُ



لذات البین»: «اگر یکی از شما برادر دینی اش را دوست دارد، پس او را از [علاقه خود] آگاه کند؛ چراکه این کار پیوند دوستی [شان] را استوارتر می‌سازد» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۷۶۴). مصاحبه‌شونده شماره ۴ در این خصوص چنین بیان نمود: «به‌طور طبیعی، هر انسانی همسر خود را دوست دارد. هرچند میزان علاقه انسان‌ها به همسرانشان متفاوت است، در وجود علاقه و دوستی میان آن دو شکی نیست؛ زیرا با او ازدواج کرده است، پس روشن است که علاقه‌ای در میان آنان بوده که عامل این پیوند شده است؛ اما این دوستی همجنس دیگر علاقه‌های انسان از قبیل دوست داشتن مال و خانه و ماشین نیست. همسر او یک انسان است و دارای درک و شعور و عواطف بسیار لطیف و حساس؛ از این رو، دانستن هر دو طرف به وجود و شدت این علاقه، تداوم‌بخش زندگی زناشویی است و سبب تحکیم خانواده است». مصاحبه‌شونده شماره ۱۹ نیز در خصوص این مقوله می‌گوید: «برخی بر این باورند که زن‌داری صرفاً در تأمین رفاه و پول خلاصه می‌شود؛ درحالی‌که این قطعاً کافی نیست. زن نیازهای عاطفی نیز دارد که شوهر او باید آن‌ها را برطرف کند، وگرنه زندگی آن‌ها به سردی و دلزدگی می‌گراید که این امر می‌تواند آسیبی جدی برای بنیان خانواده باشد. پس اینکه مرد علاقه‌اش را به همسرش با زبان اعلام کند اهمیت بسیاری دارد. در گام بعدی، باید این علاقه را در رفتار خود نشان دهد».

حال آنکه پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ: إِنِّي أُحِبُّكَ، لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا»: «این سخن مرد به همسرش که من تو را دوست دارم هرگز از قلبش بیرون نخواهد رفت» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۶۲۱). همچنین، ایشان در حدیثی می‌فرماید: «إِذَا نَظَرَ الْعَبْدُ إِلَى وَجْهِ زَوْجِهِ وَنَظَرَتْ إِلَيْهِ، نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِمَا نَظَرَ رَحْمَةٍ، فَإِذَا أَخَذَ بِكَفِّهَا وَأَخَذَتْ بِكَفِّهِ، تَسَاقَطَتْ ذُنُوبُهُمَا»: «هرگاه بنده‌ای به همسرش از سر محبت نگاه کند و همسرش نیز به چهره او بنگرد، خداوند نگاهی از سر رحمت به آنان می‌افکند و اگر دستان همدیگر را بگیرند گناهان آنان فرو می‌ریزد» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۳: ۲۲۶).

نگاه محبت‌آمیز زن و شوهر به یکدیگر و اظهار محبت آنان به همدیگر عبادت خدا به‌شمار می‌آید. چنین رفتار ساده‌ای چنان اجر والایی نزد خدای متعال دارد که رحمت و نظر خدای متعال را جلب می‌کند و از آن ساده‌تر فشردن دست‌های همدیگر، آن اندازه در نزد خدای والامرتبه ارزشمند است که به پاس آن، خداوند گناهان آنان را می‌بخشد. این آموزه از نکات درخشان دین ماست و حاکی از لطافت و ظرافتی است که در نگاه آن به جنبه‌های مختلف زندگی انسان وجود دارد. این شیوه و مواردی بسیار زیباتر را می‌توان در رفتار حضرت صدیقه طاهره (س) با امیرمؤمنان علی (ع) یافت. حضرت صدیقه (س)

در گفتار خود با امیرالمؤمنین (ع) تعابیر زیبایی از قبیل «یا ابالحسن... روحی لروحک و قاء و نفسی لنفسک فداء» به کار می‌برد؛ یعنی «علی جان، جان فدای شما» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۷۶۶)؛ از آن سو، حضرت امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «هنگامی که به چهره فاطمه نگاه می‌کنم غصه‌هایم از بین می‌رود» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۷۶۶). با وجود زندگی ساده‌ای که آن دو بزرگوار داشتند و خانه‌ای که از لحاظ سازوبرگ زندگی بسیار مختصر و در نهایت سادگی و از تجملات رایج آن روزگار به دور بود، صمیمیت در زندگی آنان موج می‌زد؛ به طوری که حضرت امیر (ع) تنها با دیدن روی همسرش همه غم و غصه‌های خود را فراموش می‌کرد. طبیعی است که این زندگی با وجود سادگی و بی‌زرق و برق بودنش برای حضرت زهرا (س) بسیار دلپذیر است.

پذیرش مدیریت مرد در خانواده: از دیگر عواملی که در حفظ و تحکیم نهاد خانواده اثرگذار شناخته شده است پذیرش مدیریت مرد در خانواده است. قرآن در سوره مبارکه نساء می‌فرماید: «مردان سرپرست و نگهبان زنان‌اند، به خاطر برتری‌هایی که از اموال ایشان (در مورد زنان) می‌کنند...» (النساء: ۳۴). این آیه و نظایر آن هرگز دلیل و نشانه برتری انسانی و فضیلت معنوی مرد بر زن نیست. آنچه در باب تفاوت افراد بیان شده این است که اولاً، باید زندگی به نحو مطلوب اداره شود؛ ثانیاً، تا هماهنگی بین افراد و طبقات متفاوت ایجاد نگردد، زندگی به خوبی اداره نمی‌شود. اختلاف استعدادها در پذیرش و احراز مسئولیت‌ها نقش و تأثیر دارند؛ اما معیار برتری و فضیلت نیستند. مدیریت مرد در خانه، همانند مدیریت در جامعه، از اسباب تقدم معنوی نیست، بلکه تنها یک مسئولیت اجرایی است و ممکن است فرد غیرمدیر بسیار در مراتب انسانیت بالاتر باشد؛ ثالثاً، این مدیریت در محور اصول خانواده است. همه این‌ها در حدود دین و احکام دینی است.

مصاحبه‌شونده شماره ۴ نیز در خصوص این موضوع می‌گوید: «توانایی مرد در مسائل اجتماعی و امور اقتصادی و تأمین نیازهای منزل و اداره زندگی بیشتر است؛ علاوه بر این، تأمین هزینه زن را هم به عهده دارد؛ بنابراین، سرپرستی و اداره منزل به عهده مرد است و این به معنی افضل بودن نیست».

مصاحبه‌شونده شماره ۱۳ نیز در این باره بیان داشته است: «زن مؤمنه با علم و آگاهی برای حفظ آرامش و جلوگیری از هرگونه تضاد و مبارزه و منازعه در محیط خانه، مدیریت مرد مؤمن، یعنی شوهر خویش را می‌پذیرد. وحدت مدیریت در خانه عقلاً هم خوب است. البته می‌دانیم که مدیریت با دستور الهی و براساس آیین‌نامه خدایی غیر از زورگویی و دیکتاتوری است».



رعایت حقوق یکدیگر: زن و مرد، با وجود زندگی مشترکی که در قالب تشکیل خانواده شکل می دهند، لازم است حقوق یکدیگر را رعایت نمایند؛ از جمله این حقوق «حق حریم خصوصی و تفرد یکدیگر» است.

در بستر خانواده، همسران در عین زندگی مشترک، از حق حریم خصوصی و تفرد نیز بهره مند هستند و بستر ارتباط مشترک زوجین و حریم خصوصی منافاتی با یکدیگر ندارد؛ به این معنا که هر یک از همسران می توانند حریم خصوصی برای خود قائل شوند و در عین حال، از مسائل شخصی یکدیگر نیز غافل نگردند؛ آن‌ها می توانند به میل خود این فضا را با یکدیگر به اشتراک گذاشته یا اینکه محرمانگی آن را حفظ کنند.

یکی از مصاحبه‌شوندگان در خصوص رعایت حریم خصوصی این گونه بیان داشته است: «من و همسر هر دو شاغل هستیم، بچه داریم و با هم زندگی مان را اداره می کنیم. ما با هم خیلی راحت هستیم و تفاهم داریم. به مسائل خصوصی هم، تا زمانی که خودمان نخواهیم و آن را در میان بگذاریم، کاری نداریم. به گذشته‌های هر کدامان، همکارانمان، دوستان، موبایل، درآمد، پس انداز و غیره کاری نداریم. ما با هم از لحاظ فرهنگی و ارزشی هماهنگ هستیم. همدیگر را از اول شناختیم و توانستیم در مورد حریم هایمان به توافقات دوطرفه برسیم».

مصاحبه‌شونده‌ای دیگر در این باره بیان داشت: «من در زمینه امور مالی از همسر انتظار داشتم که همه اطلاعات را به من ارائه کند؛ حساب من و او ندارد؛ اما ما نمی توانستیم در این زمینه همدیگر را به خوبی درک کنیم».

رعایت این موارد در حقوق اسلامی و آموزه‌های اخلاقی دین اسلام نیز بسیار مورد تأکید واقع شده است. گواه این مدعا آیاتی از قرآن و احادیث فراوانی در قالب و موضوعات متکثر از قبیل حرمت تجسس، غیبت، افشای راز، اشاعه فحشا، بیان عیوب دیگران، سخن چینی، نگاه و ورود به داخل منزل اشخاص بدون رضایت و ممنوعیت تفتیش، استراق سمع و بصر و ممنوعیت ورود به اتاق خصوصی بدون مجوز و غیره است؛ از جمله آیه ۱۲ سوره حجرات که حرمت تجسس را گوشزد کرده است؛ آیه ۱۸ سوره نور که اشاره به حرمت اشاعه فحشا، افشای عیوب و اسرار مردم دارد؛ آیه ۲۷ که حرمت ورود به منزل دیگران بدون اجازه را مطرح می کند و آیه ۵۸ از این سوره که برای پدر و مادر حریم خصوصی قائل شده تا فرزندان به آن وارد نشوند.

۳- یافته‌های حاصل از مصاحبه در خصوص عوامل مداخله‌گر

عوامل و شرایط مداخله‌گر شرایطی هستند که تأثیرگذاری عوامل علی و زمینه‌ای را تسهیل یا دشوار می کنند. یافته‌های حاصل از کدگذاری محوری در خصوص عوامل

مداخله گر اثرگذار بر حفظ و تحکیم خانواده اسلامی - ایرانی به شرح جدول زیر است.

جدول ۵: نتایج حاصل از کدگذاری محوری شرایط مداخله گر

بعد	کد گزینشی	کد محوری	مقوله اصلی	زیرمقوله ها
عوامل مداخله حفظ و تحکیم خانواده	عوامل محیطی برون نهادی	تنوع و تضاد عوامل جامعه پذیری	تحولات عمیق فرهنگی	دگرگونی در سبک زندگی، شکل گیری انواع جدید خانواده (غیررسمی)، جریان نفوذ فرهنگی غرب و وقوع انقلاب اسلامی در کشور
			رسانه ای شدن جامعه	تغییر در شبکه ارتباطی اعضای خانواده، تحولات سریع اطلاعات و تکنولوژی های ارتباطی، میزان استفاده از وسایل ارتباطی، گسترش ماهواره و شبکه های اجتماعی
		عوامل اقتصادی	وضعیت اقتصادی خانواده	میزان درآمد و رفاه نسبی خانواده

تأمل بر مقوله های استخراج شده در بخش شرایط مداخله گر گویای آن است که مصاحبه شوندگان «عوامل اجتماعی» و مشخصاً «تنوع و تضاد عوامل جامعه پذیری» مشتمل بر مفاهیمی چون «تحولات عمیق اجتماعی» و «رسانه ای شدن جامعه» و نیز «وضعیت اقتصادی خانواده» را به مثابه عواملی مداخله گر و اثرگذار بر حفظ و تحکیم خانواده اسلامی - ایرانی عنوان نموده اند. با تأمل در کدهای محوری احصاشده، کد انتخابی برای شرایط مداخله گر را می توان با عنوان «عوامل محیطی برون نهادی» تعریف نمود.

از جمله عوامل مداخله گری که در خصوص حفظ و تحکیم خانواده شناسایی شده است، «رسانه ای شدن» و «دگرگونی در سبک زندگی» است.

رسانه ها به عنوان یکی از نهادهای اجتماعی، عهده دار انتقال میراث فرهنگی و اجتماعی و ارزش های جوامع هستند. در عصر کنونی، با توجه به نقش بارز آن ها در جامعه و اطلاع رسانی پیرامون موضوعات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، عملاً الگوهای نوینی را به جوامع وارد کرده تا جایگزین فرهنگ ها و ارزش ها و الگوهای سنتی شود؛ از این رو، به عنوان عاملان تغییر و تحول سبک زندگی جوامع و ارزش های حاکم بر آن مطرح هستند؛ به گونه ای که سنت ها را به مبارزه می طلبند و به صورت یک عامل مؤثر در دگرگونی نگرش ها و رفتارهای نسل جدید عمل می کنند.

امروزه آمار به خوبی بیانگر این موضوع است که رسانه های گوناگون اعم از دیداری و شنیداری، مکتوبات اعم از روزنامه ها، مجلات، نشریات و غیره، شبکه های اجتماعی، سایت ها،



وبلاگ‌ها و فضای مجازی، علاوه بر تغییر بسیاری از آداب و رسوم و سنن گذشته در جوامع، توانسته‌اند الگوهای جدیدی برای زندگی بشر امروزی ارائه دهند و روش‌های مختلف زندگی در اقصی نقاط دنیا را به همسانی بیشتر رهنمون کنند. بر این مبنای، چه بخواهیم و چه نخواهیم، رسانه‌ها در دوران کنونی بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی مردم شده‌اند. مردم در طول شبانه‌روز از محتوای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و آموزشی و سرگرمی رسانه‌ها استفاده می‌کنند. نسل کنونی جامعه از ابتدای حیاتش با رسانه‌ها بزرگ می‌شود و در دنیای اطلاعاتی و ارتباطی امروز، این نسل، بخش عظیم فرهنگ، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه خود و دیگر جوامع را از رسانه‌ها دریافت می‌کند. به عبارتی، در دوران معاصر که به عصر اطلاعات و جامعه اطلاعاتی و ارتباطی معروف است، بخش عظیمی از جامعه‌پذیری نسل‌ها از طریق رسانه‌ها انجام می‌شود و نفوذ و تأثیر رسانه تا جایی است که برخی از نظریه‌پردازان ارتباطی بر این باورند که رسانه‌ها اولویت ذهنی و حتی رفتاری ما را تعیین می‌کنند و اگر چگونگی فکر کردن را به ما یاد ندهند، اینکه به چه چیزی فکر کنیم را به ما القا می‌کنند و سبک زندگی نوین را تبلیغ می‌نمایند و از این طریق، فرهنگ غربی روزبه‌روز در فرهنگ‌های دیگر و به‌ویژه فرهنگ اسلامی رخنه کرده، سعی در تحمیل و درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهای خود و تغییر در سبک زندگی جامع از طریق فناوری نوین و رسانه‌ها دارد.

از سوی دیگر، در بستر رسانه‌ای شدن جامعه، انسجام و پیوستگی اعضای خانواده، به‌ویژه زوجین، مهم‌ترین مؤلفه کارآمدی خانواده است و بیشترین آسیب را به نهاد خانواده وارد می‌کند که ناشی از استفاده افراطی از رسانه است؛ چون فرصت گفت‌وگو و روابط بین اعضای خانواده را کاهش می‌دهد (محدثی و یوسفی اصل، ۱۳۸۹: ۲۷۳).

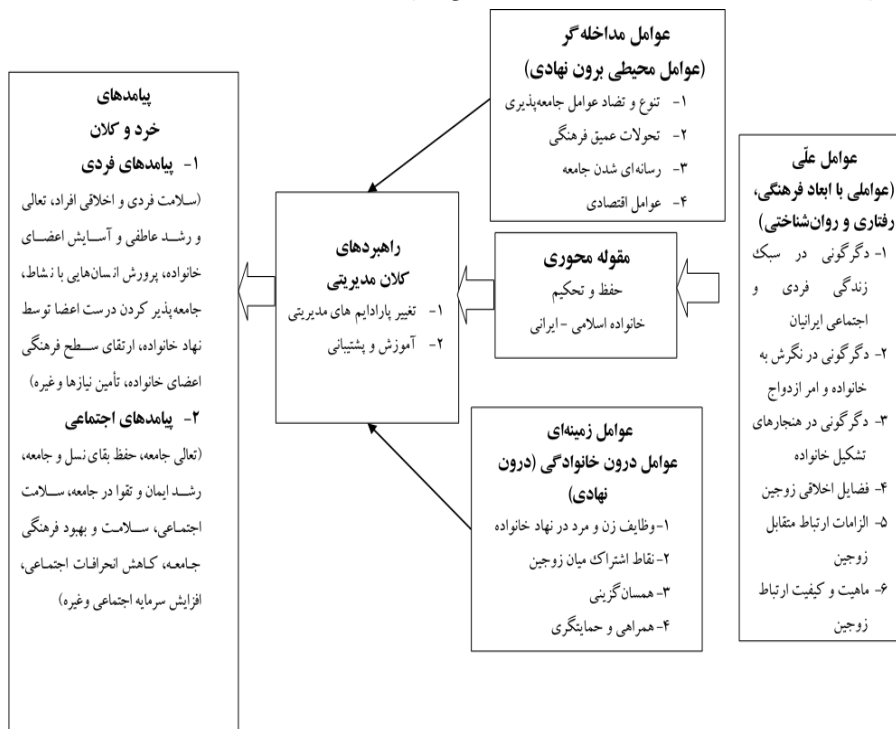
آسیب ارتباطی ناشی از حضور رسانه‌ها، بیشتر در دو نوع ارتباط بروز می‌کند: یکی ارتباط بین فرزندان و والدین و دیگری ارتباط بین زن و شوهر.

مصاحبه‌شونده شماره ۹ در این باره می‌گوید: «هر اندازه حضور افراد در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بیشتر می‌شود، به همان نسبت از میزان ارتباطات و تعاملات واقعی آن‌ها با محیط اطراف، افراد و جامعه کمتر می‌شود و شاهد هستیم که به‌مراتب، ارتباط میان فرزندان و والدین و همچنین، ارتباط میان همسران کاهش می‌یابد، پیوند عاطفی و هیجان میان اعضای خانواده کاهش می‌یابد که این موضوع، انسجام خانواده را به مخاطره می‌اندازد. به‌طوری‌که ورود مردان و زنان در اتاق‌های چت به‌عنوان «زندگی دوم» آن‌ها مطرح است که زندگی اول را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و طبیعی است که زندگی دوم میزان زیادی از انرژی و وقت گفت‌وگو را به خود اختصاص می‌دهد.

صرف وقت زیاد در فضای مجازی، به منزله کاهش احساس نیاز به ارتباط در زندگی واقعی است. این روند، به افزایش فردگرایی و کاهش جمع‌گرایی منجر می‌شود و می‌توان آن را عاملی در آسیب دیدن انسجام خانواده تلقی کرد».

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر، در راستای پاسخگویی به سؤال اصلی پژوهش مبنی بر اینکه عوامل اثرگذار بر حفظ و تحکیم خانواده اسلامی - ایرانی کدام است؟ مبین آن بود که عواملی در سه سطح «علی»، «زمینه‌ای» و «مداخله‌گر» که مبین عواملی با ابعاد فرهنگی، رفتاری و روان‌شناختی (عوامل علی)، عوامل درون‌خانوادگی یا دورن‌نهادی (عوامل زمینه‌ای) و نیز عوامل محیطی برون‌نهادی (عوامل مداخله‌گر) هستند، بر حفظ و تحکیم خانواده اسلامی ایرانی اثرگذارند که این عوامل، ارکان مدل پارادایمی پژوهش حاضر که مبتنی بر روش پژوهش داده‌بنیاد است را شکل می‌دهند.



نمودار ۲: مدل پارادایمی عوامل مؤثر بر حفظ و تحکیم خانواده اسلامی - ایرانی



شرط پویایی و استواری نهاد بنیادین خانواده که رکن اساسی جامعه انسانی است، وجود روابط صحیح و پایدار میان همسران است. با وجود این، تمرکز بر وضعیت کنونی نهاد خانواده در جامعه اسلامی ایران مبین آن است که «خانواده» از نقطه مطلوب و ارزشی خود فاصله گرفته و دستخوش چالش‌ها و تحولات نگران‌کننده‌ای شده است. این مسئله نشانه‌هایی دارد که بیانگر ایجاد یک‌سری تغییرات جدی در خانواده است. نشانه‌های این دگرگونی‌ها از همسرگزینی تا تشکیل، تداوم، گسترش و نوع فرزندآوری خانواده دیده می‌شود و در نهایت هم به مشکلاتی همچون ازهم گسیختگی کانون خانواده و «طلاق» ختم می‌شود؛ به طوری که بسیاری از زوجین در روابط خانوادگی خود، از آرامش متقابل و به تبع آن، رضایتمندی محروم هستند؛ همچنین، اقتدار عاطفی و منطقی و همدلی و همراهی لازم را نیز در تعامل با یکدیگر ندارند. بی‌ثباتی در خانواده‌ها به دلیل خلأ فکری و روانی افراد، روندی رو به گسترش دارد.

این تحولات که به سبب دگرگونی‌های فرهنگی - به ویژه سبک زندگی - اجتماعی، سیاسی و تکنولوژیکی و مانند آن صورت پذیرفته، بر ابعاد خانواده تأثیر گذاشته و آن را دگرگون کرده و به تبع آن، شاهد هستیم که «نهاد خانواده در ابعاد ارزشی و کارکردی و ساختاری در حال تغییر است» و این مهم را می‌توان هسته مرکزی مدل پارادایمی نوشتار حاضر تلقی نمود که در واقع، پاسخی به این ابهام است که با توجه به همه داده‌ها و شواهد و مقولات به دست آمده از زمینه موضوع مورد بحث مرکز، همه این رویدادها و تحولات رخ داده برای نهاد خانواده در ایران چیست؟ باید اذعان داشت که نهاد خانواده در ایران به تجدید ساختار خود دست زده و ویژگی‌های موجود خانواده، نمادی از تداوم و تغییر را نشان می‌دهد و در این میان، آنچه تغییر عمده داشته است، نگاه ارزشی به ازدواج، طلاق، فرزندآوری و باروری بوده و در کنار آن، الگوی نوینی از تغییرات هویتی شکل گرفته است که دیگر اولویت را بر حفظ و تحکیم نهاد خانواده قرار نداده و در مقابل، برای مثال، اولویت را در رسیدن به مدارج بالای اجتماعی و برابری هرچه بیشتر زنان با مردان و تعالی استعدادها و توانایی‌های خویش قرار داده است. چنین تغییرات ارزشی و هویتی‌ای، بستر ساز روند روزافزون بی‌ثباتی و تزلزل نهاد خانواده در جامعه اسلامی ایران شده و این نهاد را به یک پدیده پیچیده و مسئله‌محور تبدیل نموده است که نیازمند چاره‌اندیشی و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و غیره مناسبی است که بتوان مواجهه درستی با چالش‌های پیش روی نهاد خانواده در شرایط کنونی داشت و با چالش‌های فراروی این نهاد مقابله کرد. در این راستا، رجوع به آموزه‌های اسلامی (مندرج در قرآن

کریم) به عنوان برترین نسخه زندگی و عالی ترین راهنمای بشر برای دستیابی به حیات طیبه، از آن رو که بخش عظیمی از آیات را به تنظیم و تعدیل روابط اعضای خانواده، حقوق و وظایف همسران و فرزندان اختصاص داده، می تواند انسان را جهت دستیابی به عالی ترین راهکارها در تحکیم خانواده هدایت کند. در کنار توجه به این مهم؛ از جمله مهم ترین مهارت ها برای غنی سازی زندگی زناشویی عبارت اند از: خودشناسی و آگاهی از تفاوت های شخصیتی، مهارت های ارتباطی، واقع نگری، مهارت های دینی و معنوی، مدیریت هیجانی و آگاهی از چرخه تکاملی خانواده. بی شک، تقویت مهارت های مذکور در کنار پیامدهای «فردی» (مشمتمل بر تعالی خانواده و اعضای آن، سلامت فردی و تأمین نیازها) و «اجتماعی» (مشمتمل بر تعالی جامعه، سلامت اجتماعی و افزایش سرمایه اجتماعی) که در پی خواهد داشت، نتیجه غایی و مطلوب که «حفظ و تحکیم خانواده اسلامی - ایرانی است را نیز رقم خواهد زد.

منابع

- آقاجانی، علی؛ حیدری، محمدعلی؛ فهیم، محسن (۱۴۰۲). «واکاو نقش فرهنگ در حریم خصوصی زوجین: یک مطالعه کیفی»، فصلنامه مطالعات اسلامی ایرانی خانواده. سال سوم. شماره ۱: ۲۸-۵.
- اینگلهارت، رونالد؛ ولزل، کریستین (۱۳۹۹). *نوسازی تغییر فرهنگی و دموکراسی*. ترجمه یعقوب احمدی. چاپ دوم. تهران: انتشارات کویر.
- بنی اسدی، رضا؛ باقری نژاد یزدی، مریم (۱۴۰۱). «شیوه همسرمداری حضرت خدیجه (س) در سه حوزه فرهنگی، روان شناختی و رفتاری»، فصلنامه زن و فرهنگ. سال چهاردهم. شماره ۵۵: ۶۷-۵۵.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل البیت.
- حسن زاده، صالح (۱۳۹۳). «عوامل تحکیم خانواده در فرهنگ اسلامی»، پژوهشنامه معارف قرآنی. سال چهارم. شماره ۱۵: ۶۸-۴۵.
- حسینی، اکرم (۱۳۸۷). «تحکیم خانواده در آموزه های قرآنی»، فصلنامه پیوند. شماره ۳۵۱: ۸۱-۴۶.
- خالدی سردشتی، مسیب؛ محمدی، اصغر؛ هاشمیان فر، سیدعلی (۱۴۰۳). بررسی تأثیر آموزش ها و مشاوره های قبل از ازدواج بر سازگاری زوجین در سه سال اول زندگی مشترک در بین جوانان ازدواج کرده شهرهای اصفهان و شهرکرد»، فصلنامه زن و جامعه. ۱۵ (۵۷): ۱۸-۱.
- درشتی، حنا؛ شیرمحمدی، مهدی؛ ادیبی، علیرضا (۱۳۹۹). «تأثیر شبکه های اجتماعی بر هویت نهاد خانواده»، فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی. سال هفدهم. شماره ۵۲: ۱۵۰-۱۳۳.
- دهدست، کوثر؛ قبادی، شهاب (۱۳۹۹). «تبیین شاخص های گسست در خانواده ایرانی متأثر از فرایند نوسازی: یک فراتحلیل کیفی». فرهنگ مشاوره و روان درمانی. ۱۱ (۴۳): ۱۲۱-۱۵۸.
- رحیمی، محمد؛ شکر بیگی، عالی؛ ساروخانی، باقر و حضرتی صومعه، زهرا (۱۳۹۶). «بررسی جامعه شناختی رابطه شبکه های اجتماعی و تغییرات جاری در خانواده ها»، پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده. ۵ (۸): ۱۶۹-۱۴۵.



- روزیان، علی؛ نامداریپور، فهیمه؛ جوادزاده، فاطمه (۱۴۰۱). «واکاوی تعاملات سازنده زناشویی زوجین شهر یاسوج»، *ارمغان دانش*. سال بیست و هفتم. شماره ۵: ۶۶۵-۶۷۹.
- سمیعی زفرقندی، مرتضی؛ زارع بیدکی، لیلا (۱۳۹۹). «رابطه محیط خانواده با مهارت‌های اجتماعی و حل مسئله دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه»، *فصلنامه خانواده و پژوهش*. ۱۷ (۴): ۶۱-۷۲.
- شافعی، ابن طلحه (۱۴۱۲). *مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول*. بیروت: دارالبلاغ.
- ضابط، شادی؛ رادمهر، حافظه (۱۳۹۹). «نقش فضای مجازی در فروپاشی خانواده از دیدگاه مشاوران شهر یزد». *فصلنامه فرهنگ یزد*. سال دوم. شماره ۸: ۳۴-۹.
- عباسی شوازی، محمد جلال؛ صادقی، رسول (۱۳۸۴). «قومیت و الگوهای ازدواج در ایران»، *فصلنامه پژوهش زنان*. سال سوم. شماره ۱: ۴۷-۲۵.
- عبدالمحمدی، حسین؛ همایون فرد، لیلا (۱۴۰۲). «تحلیلی از رابطه ارزش‌های اخلاقی و تحکیم خانواده از منظر قرآن و سنت»، *فصلنامه معرفت*. سال سی و دوم. شماره ۱: ۴۳-۳۳.
- فکوری اشکیکی، میا؛ جان‌بزرگی، مسعود؛ خرمیان، فاطمه (۱۴۰۲). «پیش‌بینی رضایت زناشویی بر مبنای هماهنگی نگرش‌ها، آشنایی با نگرش‌های همسر و هماهنگی ارزش‌های زوجین»، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*. سال نوزدهم. شماره ۷۳: ۴۴-۲۹.
- کریمی، محمدهادی (۱۳۹۶). «تأثیرات رسانه در تربیت فرزندان و سبک زندگی آنان در خانواده»، *فصلنامه مدیریت رسانه*. شماره ۳۸: ۶۷-۷۶.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴). *بحارالأنوار*. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محدثی، حمیده؛ یوسفی اصل، محمد (۱۳۸۹). «راهکارهای تحکیم بنیان خانواده»، *فصلنامه پرستاری و مامایی ارومیه*. دوره هشتم. شماره چهارم. زمستان ۸۹: ۲۷۵-۲۷۰.
- محمدپور، احمد (۱۳۸۹). «ارزیابی کیفیت در تحقیق کیفی: اصول و راهبردهای اعتباریابی و تعمیم‌پذیری»، *فصلنامه علوم اجتماعی*. دوره هفدهم. شماره ۴۸: ۱۰۷-۷۳.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۹۳). *تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث*. ترجمه حمیدرضا شیخی. قم: دارالاحدیث.
- معین، محمد (۱۳۹۵). *فرهنگ معین*. تهران: زرین.
- ملکی، امیر؛ عباسی، آمنه؛ صادقی، رسول و بالاخانی، قادر (۱۴۰۰). «تحلیل چندسطحی عوامل مؤثر بر ارزش‌های خانوادگی در ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*. سال بیست و دوم. شماره ۸۸: ۱۶۳-۱۸۵.
- میرخانی، عزت‌السادات؛ صفایی، سعیده (۱۳۹۳). «جایگاه عفت جنسی در شریعت اسلامی و تأثیر آن بر تحکیم بنیان خانواده»، *فصلنامه زن و مطالعات خانواده*. سال ششم. شماره ۲۴: ۱۴۷-۱۲۵.
- ناموران گرمی، کبری؛ مرادی، علیرضا، فرزاد، ولی‌الله و زهراکار، کیانوش (۱۳۹۶). «تعیین ابعاد سازگاری زناشویی در زوج‌های ایرانی: یک مطالعه کیفی»، *سلامت و مراقبت*. سال نوزدهم. شماره ۳: ۱۹-۱.
- هاشمی‌نژاد، سهراب؛ عیوضی، محمدرحیم؛ حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۸). *آینده‌پژوهی خانواده اسلامی - ایرانی از حیث ساختار و سبک زندگی در افسق ۱۴۱۴*. دانشکده علوم اجتماعی، گروه آینده‌پژوهی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).
- Cihan, H., & Aydogan, D. (2020). *Relational resilience as a protective factor in marital*. New York: Johan wily and sons.
- Georgas, J., Berry, J. W., van de Vijver, F. J. R., Kağitçibaşı, Ç., & Poortinga, Y. H. (Eds.). (2006). *Families across cultures: A 30-nation psychological study*. Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/CBO9780511489822>.



- Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (2020). "Research on Marital Satisfaction and Stability in the Challenging Conventional Wisdom", *Marriage Fam*, 82: 100-116.
- Kim, T. H., Kim, E. & Nam, H. S. (2018). "Attitudes toward Women's Roles, Marital Satisfaction, and Hwa-Byung among Korean Married Couples". *Int J Adv Counselling*, 41: 201-213.
- Mirkheshti, F. (2014). "Privacy between spouses: the field of interactions and conflicts". *Journal of Cultural sociology*, 4(4), 165-84. (Persian) <https://www.sid.ir/paper/241223/fa>
- Montgomery, Alexander (2008), *US Families 2025: "In search of future families"*, *Futures*. Volume 40. Issue 4. May 2008: 377-387.
- Moore, S., Uchino, B., Baucom, B., Behrends, A., & Sanbonmatsu, D. (2017). "Attitude similarity and familiarity and their links to mental health: An examination of potential interpersonal mediators". *Journal of Social Psychology*, 157(1): 77-85.
- Sanbonmatsu, D., Uchino, B., Wong, K., & yong seo, j. (2012). "Getting Along Better: The Role of Attitude Familiarity in Relationship Functionin". *Journal of Social Cognition*, 30(3): 350-361.
- Subramaniam, M., Kumar, P., Morehouse, S., Liao, Y., & Vitak, J. (2019). "Leveraging funds of knowledge to manage privacy practices in families". *Proceedings of the Association for Information Science and Technology*, 56(1), 245-254. <https://doi.org/10.1002/pra2.67>.
- Twenge, J. M., Campbell, W. K., & Foster, C. A. (2003). "Parenthood and Marital Satisfaction: A Meta-Analytic Review". *Journal of Marriage and Family*, 65(3): 574-583.
- Yoo, G., Joo, S. (2022). "Love for a Marriage Story: The Association Between Love and Marital Satisfaction in Middle Adulthood". *J Child Fam Stud*. 31, 1570-1581.

